

# الگوی دیده بانی توسعه پایدار استانی

## گزاره برگ گفتمان سیاستی چهارم: اشتغال و توسعه پایدار استان

سازمان برنامه و بودجه استان قزوین و موسسه ملی تحقیقات سلامت جمهوری اسلامی ایران، ایستگاه تحقیقات سلامت قزوین

### این گزاره برگ به چه سوالاتی جواب می دهد؟

- ارتباط اشتغال با توسعه پایدار چیست؟
- راهکارهای توسعه اشتغال در استان چیست؟



بیکار در اقتصاد به فردی گفته می شود که در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سال) و جویای کار باشد اما شغل یا منبع درآمدی پیدا نکند. کودکان و افراد مسن از آن جهت که قادر به انجام کار نیستند، جزو جمعیت فعال به حساب نمی آیند. زنان خانه دار و دانشجویان اگر جویای کار نباشند، و حتی کسانی که با وجود منبع درآمد کافی مشغول به انجام کاری نیستند نیز، جزو جمعیت فعال شمرده نمی شوند.

جمعیت بیکار به تعداد افراد بیکار گفته می شود. بیکار از منظر مرکز آمار ایران، فردی بالای ۱۰ سال است که در هفته قبل از آمارگیری فاقد کار باشد، و در آن هفته یا بعد از آن آماده کار باشد و در آن هفته و سه هفته قبل از آن در جستجوی کار باشد. همچنین افرادی که به دلیل آغاز به کار در هفته آینده یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نیستند، بیکار محسوب می شوند:

نرخ بیکاری به نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال گفته می شود.

نرخ مشارکت عبارت است از جمعیت بیکار به علاوه شاغل تقسیم بر افراد در سن کار را نرخ مشارکت می نامند.

انواع بیکاری عبارت است از بیکاری اصطلاحی در مدت زمان بین دو اشتغال در هنگام تغییر شغل، بیکاری فصلی زمانی که تقاضا برای کاری در فصل مشخصی وجود نداشته باشد؛ مثلاً برخی آموزگاران که در تابستان نمی توانند تدریس کنند یا کشاورزان و کارگران ساختمانی، بیکاری پنهان وقتی است که شخص به کاری مشغول است و منبع درآمدی دارد اما کار او در اقتصاد کشور اثر مثبت ندارد.

افزایش جمعیت و کمبود تقاضای نیروی کار، اتوماسیون، مهم ترین علل بیکاری هستند. یک عامل مهم بیکاری، افزایش رقابت بین المللی در صنایعی است که پیشرفت روزافزون غرب بر پایه آن بنیاد نهاده شده بود. یکی از عوامل دیگر بیکاری عدم برنامه ریزی درست دولت و خانواده است که دلیل اصلی بیکاری در برخی کشورها همین موضوع است. مدرک گرایی یکی از ابعاد افزایش معضل بیکاری در برخی از کشورها می باشد.

میزان بیکاری در ایران نزدیک به یک چهارم است. حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران زیر ۳۵ سال سن دارند. مرکز آمار ایران میزان بیکاری جوانان را ۲۱،۸ درصد اعلام کرده که تقریباً دو برابر نرخ متوسط بیکاری در ایران است. نرخ بی کاری در استان های مختلف ایران متفاوت است. اما اغلب نرخ بی کاری در استان های مرز نشین از دیگر نقاط ایران بالاتر است. نرخ بیکاری در تابستان ۱۳۹۶ حدود ۱۱،۷٪ بوده است. به گزارش بانک مرکزی ایران، در سال ۱۳۸۹، ۲۲،۵ درصد از خانواده های ایران بدون فرد شاغل، ۵۵،۴ درصد دارای ۱ فرد شاغل، ۷،۲۱ درصد دو فرد شاغل و ۴،۹ درصد دارای ۲ و بیشتر فرد شاغل بوده اند. در عین حال در سال ۱۳۹۰، ۸۰۰،۰۰۰ فرصت شغلی از دست رفته که معادل ۱۸ میلیارد دلار تولید بوده است. در سال ۱۳۹۳ درصد خانواده های بدون فرد شاغل به ۲۴٪ رسید که از این میان ۵۷ درصد یک نفر شاغل، ۱۵،۵٪ دو نفر شاغل و ۳،۵٪ دارای سه نفر شاغل و بیشتر بوده اند. برخی کارشناسان انتقادهایی به شیوه های آمارگیری بیکاران در ایران و نتایج آن وارد می کنند، ولی همه بر یک نقطه اتفاق نظر دارند که بیکاری یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران است. جمعیت ایران در ۲۸ سال گذشته تقریباً دو برابر شده و اکثر کسانی که در سالهای بعد از انقلاب ۱۹۷۹ متولد شده اند به سرعت به جمع متقاضیان کار می پیوندند. بر اساس آمار رسمی، تعداد بیکاران ایران بین سه تا سه و نیم میلیون نفر است اما کارشناسان آمار بیکاران را بیشتر از چهار میلیون نفر برآورد می کنند. هر ساله دست کم حدود هشتصد هزار نفر وارد بازار کار ایران می شوند و دولت توان کافی برای پاسخگویی به این حجم از متقاضیان کار را ندارد. دولت در سال های گذشته حجم زیادی از منابع بانکی را به سمت بنگاه های زودبازده هدایت کرده بلکه بتواند از فشار بیکاران بکاهد اما برآوردهای رسمی نشان می دهد که تلاش دولت تأثیر چندانی بر کاهش نرخ بیکاری نداشته است. کارشناسان اقتصادی بر این باورند که ایران برای این که بتواند بیکاری را کنترل و نرخ آن را کاهش دهد باید سالانه بیشتر از یک میلیون شغل ایجاد کند در حالی که در طول سال های اخیر به طور متوسط نتوانسته برای بیشتر از ۵۵۰ هزار نفر شغل ایجاد کند. کارشناسان اقتصادی بر این باورند که ایران برای غلبه بر مشکل بیکاری، نیازمند رشد اقتصادی بالای هفت درصد است اما در طول چند سال گذشته متوسط رشد اقتصادی در حد پنج درصد بوده است. کارشناسان اقتصادی بر این باورند که بخشی از رشد اقتصادی چند سال اخیر حاصل افزایش درآمدهای بالای نفتی بوده است در حالی که دولت بدون سرمایه گذاری کافی نمی تواند به رشدی قابل اتکا دست یابد تا با آن شعار افزایش فرصت های شغلی را تحقق بخشد. نرخ بیکاری در میان تحصیل کردگان دانشگاه های کشور نیز کم نیست. علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی میانه های خرداد ماه ۱۳۹۴ در حاشیه همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال گفت: هم اکنون ۴۰ درصد از بیکاران کشور دانش آموزان دانشگاه هستند. با فارغ التحصیلی حدود چهار میلیون دانشجو از دانشگاه های کشور، تعداد فارغ التحصیلان بیکار در آینده افزایش می یابد. در این بین زنان غیر شاغل دانشگاهی بالاترین دستمزد آستانه را دارند. این یافته دلالت بر این دارد که بخش هایی از زنان در انتظار یک شغل درخور علاقه خود هستند. دستمزد آستانه، سطحی از دستمزد است که فرد تمایل دارد در دستمزدهای بالاتر از آن بخشی از ساعات شبانه روز خود را به کار تخصیص بدهد.

**اشتغال از دو منظر بیکاری و ناامنی شغلی سلامت را به خطر می‌اندازد.** نشان داده شده که داشتن شغل به خودی خود باعث افزایش سلامتی فرد می‌شود و در مطالعات مختلف نقش بیکاری به عنوان یکی از فاکتور خطر مهم برای انواع اختلالات جسمی، روانی و آسیب‌های اجتماعی مورد تایید قرار گرفته است. کار و اشتغال مناسب می‌تواند امنیت مالی، موقعیت اجتماعی، تکامل فردی، روابط اجتماعی و عزت نفس و حفاظت در برابر مخاطرات فیزیکی و روانی اجتماعی که هر یک برای سلامت مهم هستند را تامین نمایند. به همین دلیل بیکاری هم به دلایل مشکلات روانی که برای فرد ایجاد می‌شود و هم به دلیل مشکلات مالی، افراد را در معرض مشکلات متعدد سلامتی قرار می‌دهد. امنیت شغلی منجر به سلامتی و احساس رضایت در فرد می‌شود و در جوامعی که میزان بیکاری افراد زیاد باشد بیماری و مرگ زودرس نیز افزایش می‌یابد؛ این امر در خانواده افراد بیکار نیز اثبات شده است.

**شرایط محیط کاری نیز بر سلامت تاثیر دارد** و شرایط کاری نامناسب می‌تواند به اندازه بیکاری و ازدست دادن کار بر روی سلامت اثر منفی داشته باشد. استرس های شغلی در محیط کار با افزایش ۵۰ درصدی خطر ابتلا به بیماریهای قلبی عروقی همراهی دارد. برخی مطالعات صورت گرفته در محل کار افراد در اروپا نشان داده‌اند کارکنانی که فرصت مناسبی برای بروز دادن مهارت‌های خود در محیط کار را ندارند یا قدرت تصمیم‌گیری آنان اندک است سلامتی‌شان در معرض خطر قرار می‌گیرد. محدود بودن قدرت تصمیم‌گیری در محیط کار باعث افزایش کم‌ردر، بیماری‌های قلبی و عروقی و غیبت از محل کار به دلیل بیماری می‌شود. این مسأله خصوصاً در مواردی که محدود بودن قدرت تصمیم‌گیری با توقع زیاد از حد کارفرما همراه باشد، تبعات ناگواری می‌یابد. دریافت مزد ناکافی به نسبت تلاش فرد نیز منجر به افزایش بیماری‌های قلبی و عروقی می‌شود. توقعات بالای شغلی، کنترل پایین و عدم تعادل بین پاداش و تلاش عوامل خطر برای مشکلات سلامت جسمی و روانی می‌باشند. اضطراب و افسردگی، غیبت از محل کار و کاهش بهره‌وری، افزایش مراجعه به مراکز درمانی و خود گزارشی، افزایش بیماری‌های قلبی و عوامل خطرزای آن، بیماری‌های ناشی از کار (سرطان‌ها، ربوی و...)، نارضایتی شغلی و خشونت‌های خانگی از جمله عوارض کم توجهی سیاست‌گذاران به این حیطه از عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت است. برای بررسی اثرات این حوزه بر سلامت افراد چاره‌ای جز بررسی درصد بیکاری، ایمنی و ارگونومی کار، جمعیت کار آسیب پذیر (کودکان کار، زنان کار، کم مهارت‌ها، بخش غیر رسمی)، بهره‌مندی از فرصت محل کار برای ارتقای سلامت، بیماری‌های شغلی، استرس در محل کار و امنیت شغلی نیست.

**بحث گروهی گفتمان سیاستی با حضور مسئولان اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی ، ریاست سازمان برنامه و بودجه استان ، رئیس دبیرخانه دیده بان توسعه پایدار استان ، کارگزار طرح تکاپو ، رئیس مرکز مشاوره ، اطلاع رسانی و خدمات کارآفرینی ، مدیر آموزشگاه مدائن ، کارگزار خوشه انگور و ایستگاه تحقیقات سلامت قزوین نتایج زیر را در بر داشت :**

« وضعیت جهانی ایران در ۲۰۱۵ رتبه بیکاری ایران در بین ۱۹۳ کشور ۱۵ بوده است که اخیراً رتبه بدتری را کسب کرده است . نرخ تورم ۱۱٫۹٪ در ۲۰۱۶ بوده است که رتبه ۲۲ از آخر را داشته ایم یعنی ۱۶۹ کشور از ما تورم کمتری داشته اند . در حال حاضر نرخ بیکاری استان ۱۱٫۶ و نرخ مشارکت ۳۹٫۳ درصد است و ۴۰ هزار نفر در مراکز کاربایی قزوین ثبت نام کرده اند . بالاترین نرخ مربوط به شهرستان البرز است و پایین ترین مربوط به شهرستان آبیگ و تاکستان است . متأسفانه به جای سیاست اقتصادی ، اقتصاد سیاسی داریم .

راهبرد توسعه صادرات در تجربه ایتالیا ، فرانسه و برزیل کنسرسیوم است . مدل کسب و کار باید به همه افراد آموزش داده شود . ما دچار تزلزل در تصمیم‌گیری هستیم و عذرخواهی کلاسیک بد نیستیم . در حال حاضر ۷۰٪ نیروی کار مهارت کافی ندارند . نرخ سود بانکی بالا برای واحد تولیدی سودآوری ندارد . بهتر است به سمت صنایع کوچک و تبدیلی و روستایی حرکت کنیم . صنایع کوچک با بزرگ تعامل کنند . هرم بیکاری در وضعیتی است که با مدرک بالا و کار دست پائین دارند .

سرمایه گذاری ما در رشته مهندسی و پزشکی بوده است و اگر متعادل رشد می‌کردیم شاید در کاهش بیکاری مؤثر می‌بود . عوامل مؤثر در رشد اقتصادی عبارت است از فناوری های جدید ، تخصصی شدن ، روش های جدید ، افزایش نیروی کار و کشف موارد اولیه جدید . در حال حاضر طرح تکاپو که مصوب شورای عالی اشتغال است با شناسایی ظرفیت ها ، در ده رسته سه اولویت را مشخص رده و ۵ سال مداخله می‌کند تا سیستم کسب و کار طراحی کند . در این طرح کل فرایند تامین ، تولید و بازاریابی و فروش مدیریت می‌شود .

متأسفانه بیکاری ایجاد شده و داریم درمان می‌کنیم ولی سرچشمه همچنان کار خودش را می‌کند . خبر خوب این است که مشکل اشتغال مورد اجماع تصمیم‌گیرندگان قرار گرفته است که خود اهمیت دارد و مداخلات مقطعی شروع شده است و تمرین خوبی است اما خبر بد این است که با این روش نمی‌توانیم نرخ بیکاری را کاهش داده و ثابت نگه داریم . رفع معضل بیکاری وظیفه تنها وزارت تعاون کار و رفاه نیست و تمامی ارکان جامعه در آن درگیر هستند سیاست های جهاد کشاورزی ، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ، وزارت صنعت و معدن و تجارت و ... همگی رو بیکاری یا اشتغال تاثیر می‌گذارد . سیاست جمعیتی کشور به زودی روی بیکاری یا اشتغال تاثیر می‌گذارد اساساً باید دید رویکرد همکاری های بین بخشی و مشارکت مردم در رفع این مشکل به چه میزان به کار گرفته شده است ؟ آیا رویکرد پیشگیری در کاهش بیکاری به کار گرفته شده است یا درمان مشکل ؟ در کل زور مداخلات برای کاهش بیکاری در کشور کمتر از عوامل کلان بوده است »

## نتیجه گیری :

بیکاری هم معلول است و هم علت پیامدهای ناگوار در فرایند توسعه پایدار. برای کاهش بیکاری مجبوریم از مدل جامع و همکاری همه بخش ها و تجارب جهانی استفاده کنیم . هم باید مداخلات کلان ملی (ماکرو) را از سطح استان حمایت طلبی کرد و هم از ظرفیت های بومی استان ( سطح مزو ) استفاده کرد ، الگوهای ایجاد اشتغال از طریق مشارکت های محلی (میکرو ) و توانمندسازی خانواده ها را هم باید به کار گرفت . همه اینها نیازمند برنامه مدونی برای حرکت در استان است و تبعیت صرف از طرح های ملی ممکن است برای سطح استان کفایت نداشته باشد .